

Conscious Consequences of a Revolutionary Movement

**(The Study of Universities Advent During the Cultural Revolution of Iran;
Based on the Ettelaat Newspaper 1979-1985)**

Maryam Peyman^{*}, Seyed Abdolamir Nabavi^{}**

Soraya Ahmadi^{*}**

Abstract

The most important development in the history of Iranian universities after the Islamic revolution is called "Cultural Revolution". Most of the existing studies has reduced the it to an "event" and limited to four days of conflict in universities across the country, which led to the closure of various higher education centers. This study emphasizes that cultural revolution is rooted in the Iranian revolution, and it did not lead to the closure of universities and universities and institutions established and founded in the galaxy of higher education in Iran during cultural revelation years. Which replied to the needs of the Iranian society and the ideas and aspirations of the revolutionaries.

In addition, previous studies emphasized on the establishment of Imam Sadiq and Tarbiat Modares universities in this duration but this study shows that more centers were established and these new universities and institutes were a reflection to the society's demands and needs of higher education system.

* M. A. Student in Communications Department of Communications, College of Humanities, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, m.peiman@gmail.com

** Associate Professor Department of Regional Studies, University of Tehran, Iran, Visiting Professor at Department of communications, College of Humanities, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author), s.a.nabavi@ut.ac.ir

*** Research Assistant Professor, Research Assistant Professor Academic Center for Education, Culture and Research (ACECR), Department of Visiting Professor at Communications, College of humanities, Tehran North Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, soraya.ahmadi@gmail.com

Date received: 2023/01/27, Date of acceptance: 2023/06/29



This article has a historical approach and based on review of 31710 Ettelaat Newspaper pages (in 1745 issues) from 1 Feb 1979 to 1 Feb 1983. It introduces the centers that were established under supervision of headquarters of the Cultural Revolution to realize the model of Islamic University.

Keywords: Cultural Revolution, University, Higher Education, Iranian Revolution.

پی‌آمدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی

مطالعه دانشگاه‌های مولود انقلاب فرهنگی ایران

براساس گزارش روزنامه/اطلاعات (بهمن ۱۳۵۷-بهمن ۱۳۶۳)

مریم پیمان*

سید عبدالامیر نبوی**، ثریا احمدی***

چکیده

مهم‌ترین تحول در تاریخ دانشگاه‌های ایران پس از انقلاب «انقلاب فرهنگی» است. اغلب مطالعات موجود انقلاب فرهنگی را به یک «واقعۀ» و محدود به چند روز درگیری در دانشگاه‌های سراسر کشور تقلیل می‌دهند که به تعطیلی مراکز مختلف آموزش عالی منجر شد. مطالعه حاضر تأکید می‌کند ریشه‌های انقلاب فرهنگی به زمان وقوع انقلاب ایران بازمی‌گردد و فقط به تعطیلی دانشگاه‌ها منجر نشد، بلکه به تأسیس دانشگاه‌ها و مؤسساتی در کهکشان آموزش عالی ایران منجر شد که برآمده از نیازهای جامعه ایران و ایده‌ها و آرزوهای انقلابیون بود. به علاوه، پژوهش‌های پیشین بر تأسیس دانشگاه‌های امام صادق و تربیت مدرس به عنوان دانشگاه‌های مولود انقلاب فرهنگی تأکید می‌کنند، اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد مراکز بیش‌تری مولود انقلاب فرهنگی ایران بوده است و این مراکز جدید بازتابی از خواسته‌ها و نیازهای جامعه از سیستم آموزش عالی و هم‌چنین ایده‌های حکومت درباره نظام دانشگاهی است. مقاله حاضر با رویکرد تاریخی و براساس بازخوانی ۳۱۷۱۰ صفحه روزنامه/اطلاعات (در

* گروه علوم ارتباطات، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، m.peiman@gmail.com
** عضو هیئت علمی گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، s.a.nabavi@ut.ac.ir
*** استادیار پژوهشی، جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران، soraya.ahmadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۸



قالب ۱۷۴۵ شماره) در بازه زمانی ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۲ بهمن ۱۳۶۳ به بررسی، معرفی، و توصیف مراکزی می‌پردازد که با تأیید ستاد انقلاب فرهنگی و برای تحقق الگوی علم اسلامی راهاندازی شدند.

کلیدواژه‌ها: انقلاب فرهنگی، دانشگاه، آموزش عالی، انقلاب ایران.

۱. مقدمه

جایگاه و تاریخ آموزش عالی در ایران در پژوهش‌های بسیاری بررسی شده و درباره نقاط عطف آن مانند تأسیس دارالفنون، تأسیس دانشگاه تهران، و روند ایجاد دانشگاه در شهرستان‌ها در پیش از انقلاب بحث شده است. تعداد قابل توجهی از این مطالعات به دوره پس از انقلاب نیز پرداخته‌اند و مهم‌ترین نقطه عطف سیستم آموزش عالی پس‌انقلابی را «انقلاب فرهنگی» خوانده‌اند؛ انقلابی در نظام آموزشی دانشگاه‌ها که قصد داشت شکل و محتوای دانشگاه‌های ایران را تغییر دهد. درواقع، امروزه، ده‌ها متن مکتوب در قالب‌های گوناگون (کتاب، مقاله، پایان‌نامه، رساله، یادداشت، مصاحبه) در اختیار داریم که با نگاه‌های مختلف به بررسی و تحلیل ریشه‌ها، فرایند، و پی‌آمدهای انقلاب فرهنگی پرداخته‌اند و تأثیر آن را بر حیات آموزش عالی ایران بررسی کرده‌اند.

باین حال، به‌رغم آن‌همه بررسی و تمرکز، به‌نظر می‌رسد این تحول مهم هنوز به‌صورت همه‌جانبه مطالعه نشده و به‌ویژه بیش‌تر یافته‌ها حاوی نوعی بی‌دقتی یا شتاب‌زدگی است. برای نمونه، ادبیات پژوهشی موجود درباره انقلاب فرهنگی گاه ریشه‌های این روی‌داد را در پیام نوروزی امام خمینی در سال ۱۳۵۹ و درگیری‌های چهار روز منجر به تعطیلی دانشگاه‌ها جست‌وجو می‌کنند (به‌عنوان نمونه، طاهری‌کیا ۱۳۹۵: ۱۷۷-۲۰۰)، اما با توجه به مستندات به‌نظر می‌رسد برای مطالعه ریشه‌های انقلاب فرهنگی لازم است دوره زمانی مطالعه را به عقب‌تر یعنی زمان وقوع انقلاب اسلامی بازگرداند (شرف‌زاده ۱۳۸۳: ۲۰-۲۳)، کم‌این که برای فهم پی‌آمدهای آگاهانه و ناآگاهانه (خواسته/ناخواسته) آن مطالعه را بایستی دست‌کم تا بهمن ۱۳۶۳ ادامه داد. ازسوی دیگر، پژوهش‌های موجود بیش‌تر به ادغام و انحلال دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها، و مؤسسه‌های آموزش عالی به‌مثابه پی‌آمد عامدانه انقلاب فرهنگی پرداخته‌اند، بمانند آن‌که تکنگراری درباره دانشگاه‌های مولود انقلاب فرهنگی نیز جامع نبوده و صرفاً بر تأسیس دانشگاه‌های تربیت مدرس و امام صادق تأکید شده است.

حال، مطالعه حاضر قصد دارد با بازخوانی منابع موجود، روایتی دقیق‌تر از یک بخش این تحول مهم ارائه کند و نشان دهد در کنار انحلال و ادغام برخی دانشگاه‌ها نمی‌توان پی‌آمد دیگر آن یعنی تأسیس دانشگاه‌ها و دانشکده‌های جدید را ساده گرفت. به عبارت دیگر، این نخستین سازه‌های انقلاب فرهنگی، به ادعای متولیان امر، «الگوهای دانشگاه اسلامی» (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۹/۳/۲۴) در «طرح نظام اسلامی دانشگاهی» (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۹/۳/۱) بوده‌اند و شامل دانشکده انقلاب اسلامی، علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی (ملی)، مدرسه علوم قضایی و تربیتی قم، دانشگاه‌های اهل سنت، امام صادق، علوم اسلامی رضوی (دانشگاه اسلامی مشهد)، تربیت مدرس، آزاد اسلامی، صنعتی امام محمد باقر، دانشگاه بین‌المللی اسلامی، و نیز ایده مبهم دانشگاه قدس می‌شدند. نکته مهم آن‌که فارغ از مدارس عالی، دانشکده‌ها، دانشگاه‌ها، و دانش‌سراهای تربیت معلم و انستیتوهای متنوع و مراکز آموزشی زیر نظر دیگر نهادهای دولتی و حکومتی^۱، این دانشگاه‌ها و مؤسسات جدید در زیرمجموعه نظام آموزش عالی و زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی تعریف شدند. البته، تأسیس دانشکده‌های جدید به‌ویژه پزشکی در دانشگاه‌های موجود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۲۳)، توسعه دانشگاه‌های بزرگ کشور ناشی از ادغام دانشکده‌ها و مدارس عالی پیش از انقلاب در آن‌ها (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۸/۴/۱۳)؛ و هم‌چنین انحلال بسیاری از مراکز پژوهشی (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۹/۵/۷) و تولد دوباره آن‌ها در قامت مراکزی در نظام علم ایران نیز از دیگر تغییرات در نظام آموزش عالی پس از انقلاب ۵۷ بود.

بنابراین، تغییرات یادشده در کل و تأسیس نهادهای جدید به‌طور خاص گویای آن است که موج درگیری‌ها در سال ۱۳۵۸-۱۳۵۹ بار دیگر یک مسئله را پیش‌روی دانشگاه مطرح کرده بود؛ دانشگاه پس از انقلاب باید چگونه باشد؟ و علم انقلابی و اسلامی چه مختصات دارد؟ درواقع، این دو پرسش اساسی دانشگاه را در بهار ۱۳۵۹ با همان مسئله اسفند ۱۳۵۷ مواجه کرد. در پاسخ به این مسئله رهبران و فعالان انقلابی برای ساخت نمونه‌هایی از دانشگاه مطلوب خود تلاش کردند و مراکز متعددی را با هدف ترویج علم اسلامی^۲، تربیت مدیران انقلابی، و پرورش دانشجویان به‌شیوه اسلامی بازنگری کردند. هم‌زمان، نکته مهم دیگری وجود داشت که اثر مهم‌تری بر روند روی‌دادها بر جای گذاشت و آن نیازها و انتظارات عمومی از آموزش عالی بود. این مسئله در تاریخ‌نگاری انقلاب فرهنگی اغلب نادیده گرفته می‌شود و تقریباً همه مطالعات موجود صرفاً به اهداف «سیاسی» و «ایدئولوژیک» پیدایی دانشگاه‌های جدید نظر دارند، درحالی‌که اهمیتی کم‌تر ندارد. لذا، ادعای مقاله حاضر آن است که ترکیب هم‌زمان

«انحلال/ ادغام» و «تأسیس» این مراکز روند تحولات آموزش عالی را در چهارچوب انقلاب فرهنگی پیش می‌برد.

برای این هدف، خوانش دقیق روزنامه/اطلاعات و جمع‌آوری مضامین مرتبط با این سازه‌های جدید به‌عنوان محصولات انقلاب فرهنگی و ایدئال‌های نظام دانشگاهی بعد از انقلاب اسلامی صورت گرفته است. دلایل انتخاب روزنامه/اطلاعات به‌عنوان منبع اصلی چنین بود: اول آن‌که، این روزنامه در بازه زمانی موردبررسی (۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳) هیچ‌گونه تعطیلی یا وقفه در انتشار نداشته است. دوم آن‌که، درکل و به‌خصوص در این بازه زمانی کم‌ترین تغییر مدیریتی را تجربه کرده است؛ یک بار تغییر مدیریتی (انتخاب سید محمود دعایی به‌سرپرستی روزنامه/اطلاعات در ۱۳۵۹/۲/۲۱) و در نتیجه وجود نوعی ثبات، برخلاف سایر روزنامه‌ها، سبب می‌شود محتوای آن کم‌ترین تأثیر را از تنش‌های ناشی از چنین تغییری داشته باشد که برای توضیح پدیده انقلاب فرهنگی، که خود مقوله‌ای چندگانه و متأثر از حداقل پنج عنصر رهبری، دولت، قوه قضائیه، مجلس، و ستاد انقلاب فرهنگی است، یک حسن تلقی می‌شود. سوم آن‌که، علاوه بر حجم فراوان مطالب در قالب‌های گوناگون (سرمقاله، خبر، تصویر، گزارش، یادداشت، و معرفی کتاب) در صفحات مختلف تنها روزنامه‌ای است که در دو بازه ۱۳۵۹ و ۱۳۶۱-۱۳۶۳ صفحه ثابتی به موضوع انقلاب فرهنگی و مباحث مرتبط با آن اختصاص داده است. درواقع، حجم مطالب چنان زیاد و متنوع است که به‌ناچار تمام صفحات روزنامه بایستی بررسی می‌شد. در این چهارچوب، ۳۱۷۱۰ صفحه روزنامه/اطلاعات (در قالب ۱۷۴۵ شماره) در بازه زمانی ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۲ بهمن ۱۳۶۳ مطالعه و فیش‌برداری شد. البته، در این روزنامه، محتواهای متکثر و متعدد بسیاری وجود دارد که به‌دلیل نبود نرم‌افزارهای جست‌وجو به‌صورت دستی بررسی شده‌اند.

۲. زمینه‌های ظهور دانشگاه‌های نوین

چنان‌که می‌دانیم، در ۱۴ بهمن ۱۳۵۷، یعنی تنها دو روز بعد از ورود امام خمینی (س) به ایران، مسئول تصمیم‌گیری درباره مدیریت دانشگاه‌ها «شورای نمایندگان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران عضو سازمان ملی دانشگاهیان ایران» معرفی می‌شود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۷/۱۱/۱۴). امام خمینی (س) هرچند پس از اعتصابات سراسری^۳ بازگشایی دانشگاه‌ها را ضروری دانست، اما در دیداری با دانشگاهیان اختیار زمان بازگشایی دانشگاه‌ها را به خودشان واگذار کرد (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۷/۱۱/۲۸). علی شریعتمداری، وزیر علوم و فرهنگ و هنر

پی‌آمدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۸۷

دولت موقت، نیز اشخاص تشکیل‌دهنده «رکن اساسی دانشگاه‌ها» را برای اداره دانشگاه صاحب صلاحیت می‌داند که بعد از تهیه لایحه نهایی استقلال دانشگاه‌ها «مستقیماً» و با «تأیید آن‌ها» هیئت دولت تنها «برای پیدا کردن جنبه قانونی» مداخله خواهد کرد (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۷). با این حال، شورای انقلاب در ۱۳ اسفند همان سال انحلال هیئت امنای تمامی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی را اعلام می‌کند و سرپرستان جدیدی برای دانشگاه‌ها انتخاب می‌شود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۷/۱۲/۱۴). بدین ترتیب، آغاز دوباره کار دانشگاه‌ها بعد از انقلاب با مدیریت شورای انقلاب و دولت رقم می‌خورد و «از اسفند ۵۷ و در طول سال ۵۸ دانشگاه‌ها به صورت شورایی اداره» می‌شود (فرستخواه ۱۳۸۸: ۵۲۵). تداوم تحولات در سال ۱۳۵۸ به انقلاب فرهنگی در بهار ۱۳۵۹ می‌انجامد و دانشگاه‌ها تعطیل و تأکید می‌شود «تا تدوین طرح آموزش اسلامی باید تعطیل بمانند» (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۹/۳/۲۶). در خلال این تحولات، بحث‌های مهمی در میان گروه‌ها و فعالان سیاسی و فرهنگی در جریان است که اتفاقاً در تعیین سمت و سوی روی دادهای بعدی مؤثر است؛ بحث‌هایی که ذهنیت‌ها، انتقادات، و انتظارات از نهادهای آموزش عالی را نشان می‌دهد و جالب آن‌که بخش مهمی از آن‌ها سویه سیاسی و ایدئولوژیک ندارد.

یکی از نخستین یادداشت‌ها مربوط به ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ است بدون آن‌که در آن حرفی از انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها به میان آید:

چون عده زیادی از بهترین فارغ‌التحصیلان داخل و خارج از کشور هم‌اکنون بی‌کار هستند و با آمدن عده بیش‌تری از آن‌ها از خارج از کشور هر روز بر تعداد این عده افزوده می‌شود و طبعاً نارضایتی ناشی از بی‌کاری هم هر روز بیش‌تر می‌گردد و از طرفی دانشگاه‌ها و مدارس عالی موجود در کشور نمی‌توانند تکافوی داوطلبان و مشتاقان تحصیلات عالی را بنمایند، بهتر است که به افرادی که دارای صلاحیت علمی هستند اجازه تأسیس دانشگاه‌ها و دانشکده‌های خصوصی در رشته‌های مختلف از جمله رشته‌های مربوط به تربیت دبیر و استاد داده شود، برای این‌که این نوع مؤسسات از نظر هزینه باری بر دوش بودجه دولت نباشند (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۲۳).

در ۱۷ مرداد ۱۳۵۸ هم «دعوت برای تأسیس دانشگاه آزادگان» (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۸/۵/۱۷) منتشر می‌شود:

در جهت تحکیم انقلاب و سازندگی جامعه اینک، که صدها هزار نفر از جوانان و سایر مشتاقان به دانشگاه راه نمی‌یابند، به‌منظور تربیت افراد متخصص موردنیاز کشور در نظر

گرفته شد دانشگاهی در دو نوبت صبح و عصر به تدریج باتوجه به مقدورات موجود با دوره‌های فوق‌دیپلم، لیسانس، فوق‌لیسانس در رشته‌های علوم تجربی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، علوم انسانی و ادبیات، علوم و فنون کشاورزی، و نیز دوره‌های کوتاه‌مدت برای رفع احتیاجات فعلی مملکت در رشته‌های مددکاری اجتماعی، خدمات شهری، خدمات اداری، خدمات روستایی، روستا معلم، و ... تأسیس نماییم.

یک ماه بعد، در یادداشتی با عنوان «برای جذب کنکورزده‌ها دانشگاه بسازید» آمده است:

می‌دانیم که امسال، در برابر ۵۵۰ هزار نفر داوطلب آموزش عالی، دانشگاه‌ها فقط ظرفیت پذیرش ۳۰ هزار دانشجو را دارند. مسئله مهم این است که تکلیف ۵۲۰ هزار نفر دیگر، که با درهای بسته روبه‌رو خواهند شد، چیست؟ و اصولاً چرا امسال داوطلب آموزش عالی به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است؟ در مورد اخیر به اعتقاد من دلیل عمده این امر تأثیر معنوی انقلاب بزرگ اسلامی ماست که جوان‌ها به «شدن خویش» بیش‌ازپیش اهمیت می‌دهند و برخلاف برخی از مسئولان امور، تصور نمی‌کنم که لزوماً دلیل این افزایش مدرک‌گرایی باشد (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۸/۶/۱۸).

چنین مطالبی نشان می‌دهد که تأسیس دانشگاه‌های نوین بعد از انقلاب فرهنگی تنها ناشی از خواست حاکمیت و انقلابیون برای شکل‌گیری دانشگاهی براساس مدل مطلوب اسلامی نبوده است، بلکه می‌توان این دانشگاه‌ها را تاحدودی ناشی از نیاز جامعه برای پاسخ به داوطلبان ورود به دانشگاه، اشتغال‌آفرینی برای فارغ‌التحصیلان، و دیگر مطالبات مردم از دانشگاه انقلابی نیز دانست. ازسوی دیگر، اقلیت‌ها و گروه‌های نادیده جامعه هم از نظام علمی جدید مختصات ویژه خود را طلب می‌کردند؛ مذاکره درباره ایجاد دانشگاه‌های اهل سنت (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۹/۲/۲۸)، دانشگاه‌هایی که زبان‌های محلی را تدریس کنند (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۶)، و دانشگاه‌هایی که در مناطق محروم موجب رونق منطقه شوند (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۸/۳/۱۲) از مصادیق مطالبات مردمی از نظام آموزش عالی در سال ۱۳۵۸ بود.

۱.۲ تلاش‌های نخستین

با تصویب لایحه ادغام دانشگاه‌ها در ۱۴ آبان ۱۳۵۸، این مؤسسات از پذیرش دانشجو باز داشته شدند (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۸/۱۱/۸) و سپس به‌صورت مشروط توانستند دانشجو پذیرش کنند (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۸/۱۱/۲۹). هم‌زمان، مطالبه اصلی دانشجویان انقلابی پاک‌سازی، تغییر محتوای دروس، و تدریس دروسی متناسب با مفاهیم انقلابی و «تجدید

ساختار دانشگاه‌ها براساس سنت حوزه‌های علمیه» و «ترکیب تخصص با تعهد» (Mojab 1991: 217) بود. به این ترتیب، باید توسعه و ایجاد دانشگاه‌های مورد تأیید جمهوری اسلامی ایران زودتر در برنامه کاری قرار می‌گرفت تا به مطالبات پاسخ داده می‌شد. با این حال، دانشجویان انقلابی گوی سبقت را از دولت ربودند و خود دست به کار شدند.

با این‌که غلام‌عباس توسلی، رئیس دانشگاه اصفهان، خبر از «تأسیس دانشکده حقوق اسلامی» با رشته‌های «حقوق اسلامی، ایدئولوژی و معارف اسلامی، جامعه‌شناسی و سیاست و حکومت در اسلام» داده بود (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۵/۲۱) نخستین اقدام را دانشجویان دانشگاه ملی در ۲۳ اسفند ۱۳۵۸ سامان دادند. آنان «با دراختیار گرفتن قسمتی از دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی این دانشگاه موجودیت دانشکده انقلاب اسلامی، علوم اقتصادی و سیاسی را اعلام کردند». دانشجویان «پیش‌گام» این اقدام را «توطئه‌ای علیه جنبش دانشجویی» معرفی کردند، اما انجمن اسلامی اعلام کرد: «این عمل را با مشورت عده‌ای از جمله حوزه علمیه قم انجام داده است» (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۸/۱۲/۲۶). در سال‌گرد تأسیس این دانشکده هم شورای دانشکده انقلاب اسلامی، علوم اقتصادی و سیاسی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد:

۲۱ اسفند سال‌گرد تأسیس دانشکده انقلاب اسلامی است؛ دانشکده‌ای که دستاورد هجرت دانشجویان مسلمان دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه ملی است. هجرتی که جو تهی از تقوی و علم دانشکده بر آنان تحمیل نموده بود. و آن‌گاه با توکل به الله حرکت خویش را آغاز نمودند تا بتوانند دانشکده‌ای را پایه‌ریزی نمایند که در آن ارزش‌های اصیل اسلامی حاکم باشد (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۹/۱۲/۲۳).

۳. سازه‌های آگاهانه انقلاب فرهنگی^۴

در سال ۱۳۵۷، بنابه اعلام رسمی «حدود ۲۲۰ دانشگاه»، ۱۷۵ هزار نفر دانشجو را پذیرش کرده بودند (بذرافشان ۱۳۹۱). البته، در فضای انقلابی حاکم بر کشور، دانشگاه‌ها به محلی برای رقابت جریان‌های سیاسی تبدیل شده بودند. به تدریج ساختارها و مراکزی جدید در جامعه دانشگاهی پدید آمد که به ترتیب تاریخ طرح در روزنامه اطلاعات آورده می‌شود.

۱.۳ مدرسه عالی علوم قضایی و تربیتی قم

این مدرسه نخستین مؤسسه عالی تأسیس شده بعد از انقلاب اسلامی است و شاید دلیل تأسیس آن را بتوان در نخستین نیاز جامعه انقلابی یافت؛ چه آن‌که براساس مطالبات بهمن و اسفند

۱۳۵۷ قضاوت درباره سران و مدیران نظام پیش از انقلاب و مجازات آنان از اولویت‌های جامعه می‌شود. از این رو سیستم جدید باید افراد باصلاحیت و مورد تأیید خود را به سراسر کشور معرفی می‌کرد. نخستین نشان از تأسیس چنین مرکزی در مصوبه ۲۹ دی ۱۳۵۸ شورای انقلاب دیده می‌شود (وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس) و اندکی بعد در خبری می‌خوانیم:

به علت نیاز مبرم به قضات شایسته، طبق تصویب شورای انقلاب، مدرسه عالی قضایی و تربیتی توسط جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در این شهر تأسیس می‌شود تا با استفاده از تحصیلات پرمایه و آزاد طلاب افراد واجد شرایط طبق برنامه و شرایط مقرر با سمت قاضی در قوه قضائیه شرکت کنند (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۹/۲/۱۸).

این مدرسه غیرانتفاعی، که در ۱۳۶۳/۱۱/۱۸ به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسید (وبسایت شورای عالی انقلاب فرهنگی) و «به عنوان یکی از مؤسسات آموزش عالی رسمی زیر نظر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» فعالیت می‌کرد (روزنامه رسمی ۱۳۶۵/۱۰/۱۵)، از میان دارندگان دیپلم در آزمونی اختصاصی دانشجوی می‌پذیرفت (روزنامه اطلاعات ۵ و ۱۳۶۳/۹/۲۲) و ابتدا مهدی قاضی از سوی آیت الله بهشتی متولی اداره آن شد.

رفته رفته، با افزایش حجم دانشجویان، اساتید، و کارمندان مدرسه عالی قضایی و تنوع رشته‌های آموزشی، پی‌گیری برای تبدیل وضع مدرسه عالی قضایی به یک دانشگاه دولتی آغاز شد و در تاریخ ۱۳۷۶/۳/۳۱ با تصویب شورای گسترش آموزش عالی مدرسه عالی تربیتی و قضایی طلاب به دانشگاه قم تغییر وضعیت داد (سایت دانشگاه قم: <https://b2n.ir/a53047>).

گفتنی است که در همان زمان نامی مشابه، یعنی دانشکده علوم قضایی، نیز مطرح شده بود که در سال ۱۳۶۱ و با پذیرش اولین دوره دانشجویان در رشته علوم قضایی تأسیس گردید. مصوبه تأسیس این دانشکده به سال ۱۳۵۶ برمی‌گشت (سایت دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری: <https://b2n.ir/t24661>) و بعد از انقلاب با «تأکید شهید بهشتی» با توجه به نیاز دادگستری به کادر برای «پیاده شدن احکام اسلام در تمامی زمینه‌های اجتماعی و استقرار عدل اسلامی در جامعه» و به ریاست نجفقلی حبیبی تأسیس شد (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۱/۴/۱). هرچند ساختمان آن ابتدا در دانشکده حقوق دانشگاه تهران بود، زیر نظر شورای عالی قضایی با آزمونی اختصاصی دانشجوی می‌پذیرفت (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۳/۲/۲۹، ۱۳۶۳/۴/۱۹). از آنجایی که این دانشکده زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی قرار نداشت، بیش از این بدان نمی‌پردازیم.

۲.۳ دانشگاه اهل سنت

سخن از ایجاد دانشگاهی برای اهل سنت با عنوان «دانشگاه اسلامی» در سیستان و بلوچستان یا کردستان نخستین بار در اواخر اردیبهشت ۱۳۵۹ مطرح شد:

امام با تأسیس دانشگاه اسلامی در سیستان و بلوچستان یا کردستان موافقت کردند. حضرت آیت‌الله منتظری در پایان این دیدار ... گفت: در این ملاقات، پیش‌نهاد تأسیس یک دانشگاه اسلامی در مناطق سیستان و بلوچستان یا کردستان، که بیش‌تر برادران اهل سنت در آن‌جا زندگی می‌کنند، مطرح شد تا در این دانشگاه، فقه بر مبنای پنج مذهب، که عبارت از مذاهب اربعه اهل سنت و نیز مذهب جعفری اثنی‌عشری است، تدریس شود ... که پیش‌نهاد مورد تأیید امام امت قرار گرفت (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۹/۲/۲۸).

گفتنی است که در اوایل انقلاب چند مدرسه علمیّه اهل سنت در مناطق گنبد و کردستان راه‌اندازی شد، اما تأسیس دانشگاه موضوعی جدید بود. در همین چهارچوب، خبری دربارهٔ ایجاد «یک دانشگاه اسلامی در کردستان» با «همکاری حوزه علمیّه قم، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، و برادران روحانی اهل تسنن» با هدف «پاسداری از جمهوری اسلامی ایران» درج شد (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۱/۱/۱۵). حدود دو سال بعد، نماینده مردم ترکمن‌صحرا در ستاد انقلاب فرهنگی مطرح کرد:

امام امت قبلاً در مورد تأسیس این دانشگاه (دانشگاه علوم اسلامی اهل سنت) دستوراتی به ستاد انقلاب فرهنگی صادر فرموده بودند و اخیراً نیز در این رابطه تأکید کردند که هرچه زودتر این دانشگاه در یکی از مناطق کردستان، بلوچستان، یا ترکمن‌صحرا ایجاد شود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۳/۷/۲۳).

در ادامه، «ستاد فرهنگی طی سه روز جلسات متعدد با اعضای کمیته ستاد متن پیش‌نویس و اساس‌نامه دانشگاه را ... تنظیم نمود که پس از بررسی مقدماتی به تصویب کمیته منتخب ستاد انقلاب فرهنگی رسید». اندکی بعد، روحانیون گنبد و ترکمن‌صحرا «در آستانه فرارسیدن هفته وحدت» قطع‌نامه‌ای صادر کردند و طی آن «تأسیس یک شعبه از دانشگاه اسلامی در منطقه گنبد کاووس» را تقاضا کردند (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۳/۹/۱۵). به نظر می‌رسد در ادامه این روند بالأخره در سال ۱۳۷۳ به‌همت «جمعی از دانشوران حوزه علمیّه قم» آموزش آکادمیک مذاهب اسلامی (مذاهب کلامی) در دوره‌ای چهارساله به‌ثمر رسید (سایت دانشگاه ادیان و مذاهب: <<https://b2n.ir/e96238>>). البته، دانشگاه مذاهب اسلامی نیز با همین رویکرد در سال ۱۳۷۱ تأسیس شده است و شعبه‌های آن در سنندج، بندرعباس، زاهدان، و گنبد کاووس در حال فعالیت هستند.

۳.۳ دانشگاه امام صادق / جامعه‌الامام الصادق

براساس تاریخچه رسمی دانشگاه امام صادق، این دانشگاه «در سال ۱۳۶۱ ش (۱۹۸۳ م / ۱۴۰۲ ق) در تهران تأسیس شد» (سایت دانشگاه امام صادق: <<https://b2n.ir/q78642>>). در خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی نیز می‌خوانیم:

دو سه سال بعد از انقلاب، که تاندازه‌ای بحران‌ها کاسته شد و گرفتاری‌های ما نیز کم‌تر شد، دوستان به فکر افتادند که این ایده‌ای که قبل از انقلاب داشتیم عملی شود، لذا هیئت مؤسس و هیئت امنایی برای جامعه تشکیل شد (خواجه‌سروی ۱۳۸۵: ۳۹۵).

در کتاب *شصت سال آموزش عالی، تحقیقات، و فناوری در ایران* نیز آمده است: «دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در سال ۱۳۶۱ ش مقارن با سال‌روز ولادت حضرت محمد مصطفی (ص) و امام صادق (ع) به ریاست حضرت آیت‌الله مهدوی کنی تشکیل شد» (انتظاری ۱۳۸۸). تازه‌ترین پژوهش به‌کوشش مهدی اسدی (۱۴۰۰: ۸۵) نیز بهمن ۱۳۶۱ را زمان تأسیس این دانشگاه معرفی کرده است. با این حال، براساس مطالعه حاضر مشخص می‌شود نخستین بار در تیرماه ۱۳۵۹ و به‌مناسبت جشن‌های میلاد امام زمان این دانشگاه ذیل عنوان «دانشگاه اسلامی» آمده است: «آیت‌الله منتظری در جشنی که از سوی هیئت قائمیه تهران برگزار شده بود نخستین کلنگ دانشگاه اسلامی جامع الامام الصادق را به زمین زدند» (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۹/۴/۸). در ادامه گفته شده بود این دانشگاه، که «مستقل از دانشگاه‌های دیگر خواهد بود، به‌سرپرستی آیت‌الله منتظری و کادر برگزیده ایشان مشغول کار خواهد شد» و هدف از تأسیس آن توسعه زبان‌های بین‌المللی در میان استادان و مدرسین حوزه‌های علمیه به‌منظور گسترش تبلیغ دین اسلام و ویژگی‌های فرهنگ اسلامی در سطح جهانی، تبلیغ گسترده مذهب تشیع در تمامی جهان با سایر دانشگاه‌ها، تبلیغ گسترده مذهب تشیع در تمامی جهان با استفاده از نظام روابط عمومی، و ایجاد گروه تحقیقی علوم جعفری است.

هرچند تأسیس هر دانشگاهی نیاز به پیش‌زمینه قانونی دارد، به‌نظر می‌رسد در شرایط انقلابی و پرتنش آن زمان امکانی برای این امر مهیا نشد و در نتیجه، تأسیس این دانشگاه با پذیرش دانشجوی در سال ۱۳۶۱ هم‌زمان تلقی شده است. نکته دیگر درباره این دانشگاه استفاده مکرر از لفظ «دانشگاه اسلامی» است، از جمله در جریان اختلاف و درگیری با شهرداری بر سر یک قطعه زمین از این عبارت استفاده شده است (روزنامه/اطلاعات ۱۳۵۹/۴/۲۹). به این ترتیب، می‌توان اولین مصداق عینی دانشگاه اسلامی را در شهر تهران دانشگاه امام صادق معرفی کرد، چنان‌که به‌گفته آیت‌الله مهدوی کنی: «در پی پیش‌نهاد آیت‌الله منتظری مبنی بر تأسیس یک

دانشگاه اسلامی تحت نام جامعه امام صادق و پس از تنظیم اساس‌نامه و تعیین هیئت امنا ... با اعضای هیئت و گروهی از مدرسين حوزه علمیه قم به حضور ایشان رسیدیم تا درمورد تعیین هیئت علمی برای برنامه‌ریزی آموزشی این مجتمع مذاکره کنیم». براساس این گزارش، داوطلبان دیپلمه و لیسانس «دارای صلاحیت‌های اخلاقی و استعداد» از طریق برگزاری کنکور پذیرش می‌شوند و «پس از گذراندن یک دوره شش‌ساله» فوق‌لیسانس دریافت می‌کنند. اشتغال این فارغ‌التحصیلان نیز به‌عنوان «مربی، محقق، و مبلغ در دانشگاه‌ها و مؤسسات گوناگون» و همچنین «برای سفارت‌خانه‌ها و اعزام به خارج از کشور» بیان شده و برنامه آموزشی دانشگاه یک دوره چهارساله معلومات عمومی، دینی، ادبی و یک دوره دوساله تخصصی در رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد، و تربیت مبلغ معرفی می‌شود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۰/۱۲/۲۴).

نخستین اطلاعیه گزینش دانشجوی دانشگاه در ۱۱ شهریور ۱۳۶۱ منتشر می‌شود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۱/۶/۱۱) و در آن «جهاد مقدس انسان‌سازی»، «ترویج حقایق سازنده اسلام در سطح جهان»، و برآورده کردن «نیاز جمهوری اسلامی در داخل و خارج از نظر نیروهای مسئول آشنا به معارف اسلامی و کاردان» به‌عنوان اهداف و برنامه‌های دانشگاه معرفی و برنامه این مؤسسه یک دوره هفت‌ساله (چهار سال دوره عمومی و سه سال دوره تخصصی در رشته‌های اقتصاد اسلامی، حقوق سیاسی اسلام، و تبلیغ و ارشاد اسلامی) ذکر شده است. آزمون ورودی نیز در ۱۶ مهر به‌صورت اختصاصی برگزار می‌شود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۱/۷/۸).

جالب آن‌که دانشگاه درابتدا قصد نداشت به حوزه علوم انسانی محدود بماند و برمبنای یک اطلاعیه، دانشکده علوم این دانشگاه قصد داشت دوره ریاضی تشکیل دهد تا پنجاه دانشجوی دوره‌ای چهارساله را بگذرانند و با اخذ لیسانس فارغ‌التحصیل شوند. «اصول اعتقادات اسلامی، احکام اسلام، تاریخ اسلام و انقلاب اسلامی، معلومات عمومی، زبان عربی و انگلیسی درحدود دیپلم ریاضی، زبان و ادبیات فارسی درحدود دیپلم ریاضی، مواد ریاضی درحدود دیپلم ریاضی، و شیمی درحدود دیپلم ریاضی» مواد امتحانی این دانشکده بودند (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۱/۷/۲۴). هرچند آزمون برگزار شد و دانشجویانی نیز قبول شدند، این دوره برگزار نگردید. سرانجام، دانشگاه امام صادق در ۱۳ دی ۱۳۶۱ با پیام آیت‌الله منتظری افتتاح شد و آیت‌الله مهدوی کنی در مراسم افتتاح اعلام کرد که ۲۵۰ دانشجو از بین ۵۳۰۰ داوطلب انتخاب شده‌اند و از اوایل بهمن‌ماه شروع به تحصیل می‌کنند و علاوه بر زبان عربی یکی از زبان‌های اردو، انگلیسی، و فرانسه را آموزش می‌بینند. نهایتاً، «وضعیت قانونی دانشگاه» با انتشار اطلاعیه وزارت فرهنگ و آموزش عالی در ۱۰ شهریور ۱۳۶۳ روشن و اعلام شد که دانشگاه با مصوبه

ستاد انقلاب فرهنگی و موافقت این وزارتخانه برنامه توسعه خود را براساس نظر ستاد دنبال می‌کند (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۳/۶/۱۰). مهدوی کنی نیز در گفت‌وگویی برنامه دانشگاه را به توسعه در «شهرهای دیگر» و پذیرش دوهزار دانشجو معرفی کرده است (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۳/۷/۲۲)، اگرچه پیش‌از آن در مشهد کلنگ احداث مجتمع فرهنگی و ساختمان این دانشگاه در اسفند ۱۳۶۲ به زمین زده شده بود (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۲/۱۲/۲۷).

۴.۳ دانشگاه علوم اسلامی رضوی

تأسیس دانشگاه علوم اسلامی رضوی به سال ۱۳۶۳ و «همت» آیت‌الله واعظ طبسی برمی‌گردد (سایت دانشگاه علوم اسلامی رضوی: <https://b2n.ir/y14826>). باین‌حال، نخستین خبر مربوط به این واحد آموزش عالی مربوط به بازدید رئیس مجلس شورای اسلامی از «ساختمان نیمه‌تمام دانشگاه اسلامی مشهد» در سال ۱۳۵۹ است (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۹/۶/۳۱) که با بازدید نماینده امام در اوقاف، رئیس صداوسیما (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۰/۹/۱۶)، و وزیر فرهنگ و آموزش عالی (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۰/۹/۱۰) ادامه می‌یابد. البته طبسی اعلام می‌کند که «رهبر انقلاب اسلامی خط‌مشی دانشگاه بزرگ اسلامی مشهد را ترسیم کردند» (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۹/۱۰/۹) و دانشگاه بزرگ اسلامی مشهد «از محل اعتبارات اهدایی آستان قدس رضوی ساخته می‌شود» و قرار است «به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی در نشر معارف اسلامی نقش ارزنده خود را ایفا کند» (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۰/۹/۱۶).

در دی‌ماه ۱۳۶۲، واعظ طبسی وعده می‌دهد دانشگاه علوم اسلامی «تا مهرماه آینده مورد بهره‌برداری قرار خواهد گرفت»؛ دانشگاهی که «جدا از حوزه‌های علمیه» نیست و تأکید می‌شود دانشجویان خود را از «حوزه‌ها» خواهد پذیرفت (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۲/۱۰/۱۷). چند ماه بعد اعلام می‌شود این دانشگاه «با ظرفیت دوهزار دانشجو روز ۱۸ مرداد ماه سال جاری (۱۳۶۳) مصادف با میلاد حضرت امام رضا (ع) همراه با برگزاری کنگره حضرت رضا (ع) آغاز به کار» (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۳/۳/۱۳) خواهد کرد.

در فرم پذیرش دانشجو، روز ۱۹ خرداد ۱۳۶۳ به‌عنوان زمان «افتتاح دانشگاه علوم اسلامی رضوی» اعلام و گفته می‌شود «برای تربیت فقیه، محقق، مدرس، مبلغ، و اسلام‌شناسانی متقی»، دانشگاه ۱۲۰ دانشجوی پسر را برای سال تحصیلی ۱۳۶۳ خواهد پذیرفت. هم‌چنین، برنامه دانشگاه دوره‌ای پنج‌ساله اعلام می‌گردد (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۳/۳/۱۹). به‌هرصورت، نخستین آزمون ورودی در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۳ برگزار و اسامی پذیرفته‌شدگان روز ۱۶ مرداد ۱۳۶۳ اعلام

پی‌آمدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۹۵

شد. جالب آن‌که چند روز قبل از اعلام اسامی، خبر توسعه پذیرش به «شش صد نفر» و «تدریس دروس حوزه نظیر تفسیر، نهج‌البلاغه، تاریخ اسلام، و هیئت و نجوم» منتشر می‌شود و نیز اعلام می‌شود فارغ‌التحصیلان مدرک فوق‌لیسانس دریافت خواهند کرد (روزنامه‌اطلاعات ۱۳۶۳/۵/۴).

در همین دوره زمانی، یعنی مرداد ۱۳۶۳، خبری از «اولین کلنگ بنای ساختمان دانشگاه علوم اسلامی قوچان» نیز منتشر شده است. در این مراسم، تولیت آستان قدس کلنگ دانشگاه را به زمین می‌زند و اعلام می‌شود این دانشگاه برای تأمین «نیروهای فکری و فرهنگی» یعنی «نیروهایی که بتوانند اسلام و مسائل اسلامی را در ابعاد گوناگون بشناسند و با شناخت کافی اهداف و مقررات اسلامی را در حوزه مسئولیتشان پیاده کنند» احداث می‌شود (روزنامه‌اطلاعات ۱۳۶۳/۵/۲۴).

۵.۳ دانشگاه تربیت مدرس

چنان‌که پیش‌تر گفته شد، یکی از مطالبات عمومی در اوایل انقلاب ایجاد «رشته‌های مربوط به تربیت دبیر و استاد» بود (روزنامه‌اطلاعات ۱۳۵۸/۲/۲۳). باتوجه‌به وقوع انقلاب و روند مهاجرت، تبعید، پاک‌سازی، و تصفیه استادان این نیاز روزبه‌روز بیش‌تر در آگهی‌های فراخوان استخدام هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف کشور دیده می‌شد. از این‌رو، ایده تأسیس مرکزی برای تربیت استادان دانشگاه پدید آمد و بالأخره مدرسه تربیت مدرس در سال ۱۳۶۰ بنیان‌گذاری و اساس‌نامه موقت آن هم در ۱۷ اسفند همین سال تصویب شد (فهرست مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی).

وزارت فرهنگ و آموزش عالی با انتشار اطلاعیه‌ای یک‌ونیم‌صفحه‌ای در روزنامه‌اطلاعات اعلام کرد این مدرسه با هدف «تربیت مدرس برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی» راه‌اندازی می‌شود، گزینش دانشجویان شش ماه یک‌بار صورت می‌گیرد و در «دوره اول و دوم درصدی از تعداد موردنیاز برای هر رشته در اختیار نهادهای انقلابی قرار می‌گیرد و شامل کسانی خواهد شد که حداقل یک سال در شرایط رضایت‌بخش در یکی از نهادهای انقلاب اسلامی خدمت کرده باشند». هم‌چنین، گفته شده بود که مدت دوره سه‌ساله است و فارغ‌التحصیلان آن پس از اتمام دوره در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به تدریس خواهند پرداخت. در این اطلاعیه، نام ۷۷ رشته مانند پزشکی، پرستاری، داروسازی، ویروس‌شناسی، کشاورزی، علوم پایه، و فنی ذکر شده بود (روزنامه‌اطلاعات ۱۳۶۰/۱۲/۲۷). اندکی بعد اعلام شد امتحان

ورودی طی دو مرحله در ۳۱ خرداد ۱۳۶۱ در دانشگاه ملی ایران برگزار می‌شود (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۱/۳/۲۶)، اما برگزاری آزمون سیزده رشته علوم انسانی ۲۲ مرداد «در مدرسه عالی بازرگانی سابق» صورت گرفت. هم‌چنین، شرط پذیرش دانشجویان «تعهد و تخصص» خوانده شده بود (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۱/۵/۲۳) و محل دانشگاه نیز در «دانشگاه ملی» (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۱/۷/۲۵) اعلام شده بود.

جالب آن‌که در اطلاعیه دیگری درباره نتایج نخستین آزمون ورودی رشته‌های مختلف پزشکی، فنی و مهندسی، علوم پایه، و کشاورزی آمده است:

برحسب معیارهای علمی تعیین‌شده توسط ستاد انقلاب فرهنگی متأسفانه در هیچ‌یک از [این] رشته‌ها تعداد کافی پذیرفته‌شده برای تشکیل کلاس حایز نگردید ... براساس تصمیم ستاد انقلاب فرهنگی، داوطلبانی که واجد صلاحیت علمی و اخلاقی بوده‌اند، لیکن تعداد آن‌ها برای تشکیل کلاس کافی نبوده است، قبول تلقی می‌شوند. زمان تشکیل کلاس‌های آن‌ها با پذیرفته‌شدگان دوره آینده تربیت مدرس یعنی احتمالاً در نیمه دوم سال تحصیلی ۶۱-۶۲ خواهد بود (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۱/۷/۵).

گروه علوم انسانی هم همین وضعیت را داشت و

در هیچ‌یک از رشته‌ها تعداد کافی پذیرفته‌شده برای دایرشدن دوره حایز نگردید. ازطرفی، نظر به اهمیت شروع اولین دوره علوم انسانی مدرسه، ستاد انقلاب فرهنگی در نظر دارد بر معیار صلاحیت‌های عمومی و هم‌چنین معدل لیسانس و مصاحبه تعدادی را بپذیرد. لذا، از میان شرکت‌کنندگان در آزمون کسانی که واجد شرایط فوق باشند انتخاب و اسامی آن‌ها متعاقباً اعلام می‌شود (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۱/۷/۲۹).

فراخوان رشته‌های پزشکی، فنی و مهندسی، و کشاورزی (فقط مرد) بار دیگر در ۱۳ آبان ۱۳۶۱ منتشر می‌شود (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۱/۸/۱۳) و نهایتاً، اسامی داوطلبان پذیرفته‌شده شامل چهارده نفر در گروه پزشکی، ده نفر در گروه فنی و مهندسی، هفت نفر در گروه علوم پایه، و هشت نفر در گروه کشاورزی اعلام می‌شود (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۱/۸/۲۰). در اطلاعیه بعدی، شرط معدل داوطلبان از ۳ به ۲.۵ کاهش پیدا می‌کند و فراخوان گروه‌های پزشکی، فنی و مهندسی، و کشاورزی تکرار می‌شود (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۱/۸/۲۲).

سرانجام، ۲۹ آبان ۱۳۶۱ مدرسه تربیت مدرس «طی مراسمی در محل دانشکده سابق حقوق دانشگاه ملی گشایش یافت» که در این مراسم، نجفی وزیر فرهنگ و آموزش عالی، علی شریعتمداری، احمد احمدی، عبدالکریم سروش، و عزیزالله خوشوقت حضور داشتند. نجفی در این مراسم

ضمن تأکید بر اهمیت تأسیس مدرسه تربیت مدرس ... اظهار امیدواری کرد که با استفاده از شیوه‌های اسلامی در این مدرسه اساتیدی تربیت شوند که ضمن داشتن اخلاق و تفکر اسلامی، بیش‌ازپیش با نیازهای واقعی بنیادین جامعه و به‌ویژه نیازهای طبقه محروم آشنا شده و در خدمت مستضعفین قرار گیرند.

علی شریعتمداری نیز در سخنان خود «در رابطه با لزوم استفاده از شیوه‌های آموزشی حوزه‌های علمیه در دانشگاه‌ها گفت: انتظار ما این است که آنچه در حوزه‌های علمیه در زمینه تقوایی، علم‌دوستی، و مجاهده با نفس صورت می‌گیرد در مدرسه تربیت مدرس نیز حاکم باشد». ثنائی، نخستین رئیس مدرسه تربیت مدرس، اعلام کرد: «از فردا (۳۰ آبان ۱۳۶۱) نخستین دوره آموزش تربیت مدرس با شرکت ۱۰۶ دانشجو در ۱۰ رشته آغاز به کار می‌کند» (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۱/۸/۳۰). باین حال، روزنامه اطلاعات خبر از افتتاح اولین دوره علوم تجربی (پزشکی، فنی و مهندسی، کشاورزی، و علوم پایه) در ۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۲ به مناسبت روز پاسدار در محل فعلی دانشگاه تربیت مدرس داده است (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۲/۲/۲۲). «به نظر می‌رسد درباره نحوه فعالیت مدرسه تربیت مدرس تا مدتی ابهام وجود داشته است، در حالی که ابتدا اعلام شده بود دانشجویان بعد از گذراندن هجده هفته آموزش عمومی برای گذراندن دوره‌های تخصصی به دانشگاه‌های مجری معرفی خواهند شد» (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۱/۸/۳۰)، اندکی بعد گفته شد به مجلس پیش‌نهاد شده است که مدرسه تربیت مدرس مقطعی از مقاطع تحصیلی در دانشگاه تربیت معلم باشد و «فارغ‌التحصیلان دوره‌های کارشناسی ارشد پس از قبول شدن در گزینش مدرسه و گذراندن سایر دروس تعیین شده برای این مدرسه جزو فارغ‌التحصیلان مدرسه تربیت مدرس محسوب» شوند (روزنامه اطلاعات ۱۳۶۲/۱۰/۲۷). در هر صورت، نخستین فارغ‌التحصیلی دوره کارشناسی ارشد در سال ۱۳۶۴ بوده است و در سال ۱۳۶۵ با تغییر اساس‌نامه مدرسه به دانشگاه تربیت مدرس تبدیل می‌شود (سایت دانشگاه تربیت مدرس: <<https://b2n.ir/u57378>>).

۶.۳ دانشگاه آزاد اسلامی

کمبود استاد، تعطیلی دانشگاه‌ها، و ملاک‌های اختصاصی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌های تازه تأسیس انقلاب فرهنگی نیاز جامعه و داوطلبان را پاسخ نمی‌گفت. به‌رغم مهاجرت برخی از داوطلبان به کشورهای دیگر برای ادامه تحصیل و اعزام تعدادی از جوانان به جبهه‌های جنگ، داوطلبان زیادی پشت درهای بسته دانشگاه‌ها منتظر تغییر شرایط بودند. هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۱ گفت:

این ننگ مسلمان‌هاست که بچه‌های ما برای تحصیل به آمریکا و اروپا می‌روند. اگر تلبور کرامت خداوند در علم انسان است، آیا ما باید بپذیریم که ده سال دیگر بچه‌های ما برای تحصیل به آمریکا بروند؟ اگر این چنین باشد، پس ما مسلمان نیستیم ... اگر امروز امکانات ما کافی نیست که هرکسی که طالب تحصیلات عالیه است بتواند به دانشگاه برود، فکر کنیم که هیچ طالب علمی از تحصیل محروم نشود. یکی از طرق آن هم این است که از همین امسال در هر نقطه مراکزی درست کنیم به نام دانشگاه آزاد، دانشگاه واقعی نه مانند رژیم گذشته که مواد تحصیلی را به سبک حوزه علمیه بخوانند. در مراکز استان‌ها، جاهایی را در نظر بگیریم و کسانی را که صلاحیت‌های فکری دارند بپذیریم. وارد آن‌جا که شدند در کلاس‌هایی آن‌ها را تقسیم کنیم و فقط آزمونی برای تعیین صلاحیت آن‌ها بگذاریم و مدرک دیپلم و غیره مدنظر نباشد. هرکس می‌خواهد بیاید و شرکت کند و هزینه‌های آن را هم از محل وجوه خیریه می‌شود تأمین کرد (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۱/۳/۱).

به دنبال این پیش‌نهاد، جهاد دانشگاهی و انجمن‌های اسلامی برخی دانشگاه‌ها از این طرح پشتیبانی کردند (روزنامه/اطلاعات ۳، ۵ و ۱۳۶۱/۳/۲۵) و وزیر فرهنگ و آموزش عالی نیز در پیامی «برای همه‌گونه همکاری و مشارکت» درباره طرح ایجاد دانشگاه‌های آزاد اعلام آمادگی کرد. وی پیش‌نهاد هاشمی را «نقطه شروعی برای فعالیت و مشارکت مستقیم روحانیون، دانشگاهیان، و امت شهیدپرور ایران در رفع نابه‌سامانی‌های آموزش عالی» می‌خواند (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۱/۳/۵). مدتی بعد، امام دانشگاه آزاد را راهی برای جلوگیری از خروج جوانان از کشور برای ادامه تحصیل می‌خواند و تأکید می‌کند این دانشگاه باید «مردمی» شود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۲/۸/۲۵). در همین ماه نخستین اساس‌نامه دانشگاه در ستاد انقلاب فرهنگی به تصویب رسید (وب‌سایت دانشگاه آزاد اسلامی: <<https://b2n.ir/y08561>>).

نخستین واحد دانشگاه آزاد اسلامی با نام تهران مرکزی در ۱۰ مرداد ۱۳۶۱ تشکیل و نخستین واحد شهرستانی هم در تبریز در ۲۳ آبان ۱۳۶۱ راه‌اندازی شد (سایت دانشگاه آزاد اسلامی: <<https://b2n.ir/y08561>>). در فرم اولیه همکاری با دانشگاه آزاد اسلامی، این نهاد به عنوان «نهادی جدید برای تعمیم تخصص به توده‌های مسلمان ایران» (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۱/۶/۱۸) و در گزارشی دیگر به عنوان «یک مرکز بسیج علمی و یک سیستم هماهنگ‌کننده جهت بهره‌وری بیش‌تر از امکانات علمی و آموزشی و فنی موجود و جذب نیروها و امکانات پراکنده کشور» معرفی شده است (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۱/۱۰/۹). جالب آن‌که در تبلیغات اولیه این دانشگاه خود را دارای «ویژگی‌های منحصر به فرد» می‌خواند و هیچ محدودیتی برای داوطلبان به جز شرط «نداشتن انحرافات اخلاقی و اعتیادات مضره و نیز انحرافات سیاسی»

پی‌آمدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۹۹

مطرح نمی‌کند. هم‌چنین، اعلام می‌شود: «از دانشجویان شهریه تحصیلی دریافت نمی‌شود» (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۱/۱۰/۲۶). نخستین آزمون ورودی دانشگاه در ۲۰ اسفند ۱۳۶۱ مجزا از دیگر آزمون‌ها و در هشت شهر برگزار می‌شود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۱/۱۲/۱۹).

هرچند انتظاری می‌گوید این دانشگاه با پذیرش ۱۷ دانشجوی کاردانی و ۲۲۲ دانشجوی کارشناسی کار خود را آغاز کرده است (انتظاری ۱۳۸۸: ۸۶)، از گزارش‌های خبری درمی‌یابیم دانشگاه آزاد اسلامی ۲۷۵۰ دانشجو پذیرفته و قرار است دوره‌های تک‌درس و دوره تحقیقاتی (دکتری) از مهر ۱۳۶۲ برگزار شود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۲/۶/۳). دوره‌های تک‌درس با تدریس کسانی چون جلال‌الدین فارسی، عبدالله جاسبی، و همایون الهی ابتدا در تهران (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۲/۱۱/۲۷) و سپس در تبریز (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۲/۱۲/۳) آغاز می‌شود و جاسبی خبر از پذیرش دانشجو برای دوره تحقیقات عالی (دکتری) می‌دهد (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۳/۳/۲۱). البته، قرار می‌شود دوره دکتری در رشته‌های علوم انسانی در اولویت کار دانشگاه باشد (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۳/۹/۴) و در گام بعدی رشته پزشکی پذیرش دانشجو کند (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۳/۶/۱۱).

گزارش‌های روزنامه/اطلاعات چهره این دانشگاه را از دیگر مراکز تأسیس شده دانشگاهی بعد از انقلاب متفاوت می‌سازد؛ هرچند در نام دانشگاه عنوان «اسلامی» آمده است، در شرایط گزینش دانشجو معیارهای گزینشی و اخلاقی و مواد امتحانی اسلامی در اولویت نیست؛ منابع مالی دانشگاه مردمی است؛ آموزش‌ها محدود به هدفی خاص و ایدئولوژیک نیست، بلکه پذیرش دانشجو به تعداد زیاد و کاهش مطالبه کمبود صندلی دانشگاه است؛ و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در جهت اسلامی‌سازی مانع توسعه دانشگاه نمی‌شود. شاید این ویژگی‌ها را بتوان به‌طور خلاصه در دو عامل ترکیب ساختار مدیریتی دانشگاه و پراکندگی شعبه‌های آن دانست.

۷.۳ دانشگاه صنعتی امام محمد باقر

در میان دانشگاه‌های تازه تأسیس بعد از انقلاب اسلامی نام دانشگاه صنعتی امام باقر (ع) نخستین بار ۲۲ مرداد ۱۳۶۳ به چشم می‌خورد: «نمایشگاهی از بیست طرح تحقیقاتی جهاد دانشگاهی از روز چهارشنبه هفته گذشته توسط جهاد دانشگاهی دانشکده برق دانشگاه صنعتی امام باقر (ع) تشکیل شد» (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۳/۵/۲۲). بار دیگر نیز نام این دانشگاه هم‌راه با جهاد دانشگاهی در قالب اطلاعیه‌ای به این شرح دیده می‌شود:

بدین وسیله، به اطلاع کلیه ارگان‌ها و نهادها و دانشگاه‌ها و وزارت‌خانه‌ها، کتاب‌خانه‌ها، و شرکت‌های مشاور سراسر کشور می‌رساند که تجزیه و تحلیل اطلاعات و آمار ایستگاه‌های باران‌سنجی ثبت ۳۴ ایستگاه سازمان هواشناسی کشور در یک جلد از طرف جهاد دانشگاهی دانشگاه صنعتی امام باقر (ع) تهیه شده قابل عرضه می‌باشد (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۳/۷/۲۶).

و سرانجام در گزارشی با تیتیر «گرامی داشت سالروز ولادت امام محمد باقر (ع) در دانشکده برق دانشگاه صنعتی امام محمد باقر (ع)» تنها گفته می‌شود بطحائی سرپرست و سیدابوالفضل موسوی تبریزی نماینده آیت‌الله منتظری در این دانشگاه بوده‌اند و «ادامه تحصیل دانشجویان تا سطح کارشناسی ارشد» امکان‌پذیر بوده است (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۳/۸/۶). این روایت ناقص از تنها دانشگاه صنعتی تأسیس شده در دوران انقلاب فرهنگی است.

۸.۳ دانشگاه بین‌المللی اسلامی

موضوع تأسیس یک دانشگاه بین‌المللی اسلامی با طرح لایحه‌ای در مجلس به تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۶۲ آغاز می‌شود (روزنامه/اطلاعات ۱۳۶۲/۲/۶). این ایده در مجلس موافقان و مخالفانی داشت؛ مخالفان به مشکلاتی چون وجود متقاضیان داخلی، کمبود بودجه، طولانی بودن فرایند احداث دانشگاه، و دست‌نیافتن به هدف صدور انقلاب در اسرع وقت اشاره می‌کنند و موافقان آن را «مقدمه آرزوی» داشتن یک دانشگاه بین‌المللی اسلامی خواندند. وزیر فرهنگ هم بیان کرد:

انگیزه‌های اصلی تهیه یک چنین طرحی ابتدا مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده است و یک مقداری هم مسائل و برخوردهای اجرایی این انگیزه را در ما مطرح کرده است. از جمله تقاضای عده زیادی از کشورها به خصوص کشورهای عربی و آفریقایی مبنی بر تحصیل در جمهوری اسلامی ایران که متأسفانه دانشگاه‌های فعلی ما امکان پذیرش آن‌ها را به تعداد زیاد ندارد. و نیز عده‌ای از اساتید دانشگاه‌ها حتی اساتید غیرمسلمان تقاضای تدریس در دانشگاه‌های ایران را داشتند ... درمورد ایراداتی که برخی از برادران می‌گرفتند یکی کمبود استاد بود که ما هم یک چنین کمبودی را قبول داریم و مقدار زیادی از این کمبود را می‌توانیم با اساتید خارجی، که در حال حاضر آماده‌اند که به ایران بیایند، جبران کنیم.

در ادامه، لایحه تأسیس دانشگاه بین‌المللی اسلامی ایران به تصویب رسید.

با تصویب قانون دانشگاه در ۱۹ دی ۱۳۶۲، فعالیت آموزشی آن با عنوان دانشگاه بین‌المللی اسلامی آغاز شد و در سال ۱۳۷۰ پس از ادغام مجتمع آموزش عالی دهخدا در آن به دانشگاه

پی‌آمدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۱۰۱

بین‌المللی امام خمینی (ره) تغییر نام یافت (وب‌سایت دانشگاه بین‌المللی امام خمینی: <http://www.ikiu.ac.ir/fa/page-view.php?pid=416>).

۴. ایده‌ای مبهم

در اواسط سال ۱۳۶۳ خبر دیدار هیئت امنای جامعه‌الامام صادق با آیت‌الله منتظری منتشر شد که در این دیدار

مسئله پی‌گیری پیش‌نهاد اخیر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری در مورد اقدام دانشگاه‌های ایران نسبت به تشکیل کلاس‌های معارف اسلامی برای برادران فلسطینی هم‌زمان با اجرای طرح اخراج اسرائیل غاصب از سازمان ملل، که از طرف جمهوری اسلامی ایران تعقیب می‌شود، مطرح شد و مذاکراتی پیرامون مشکلات موجود و کیفیت شروع این کار توسط دانشگاه امام صادق با تأسیس دانشکده‌ای به نام قدس، که زیر نظر جامعه‌الامام صادق کار کند، به عمل آمد (روزنامه‌اطلاعات ۱۳۶۳/۷/۲۱).

یک روز بعد، مهدوی کنی گفت:

در دیدار اخیر با حضرت آیت‌الله العظمی منتظری ایشان پیش‌نهاد فرمودند ترتیبی داده شود یک دانشگاهی نیز تحت عنوان دانشگاه قدس در یکی از ممالک اسلامی عربی تأسیس شود که این دانشگاه منبع و مرکز دانشجویانی باشد که برای آزادی قدس جهاد می‌کنند (روزنامه‌اطلاعات ۱۳۶۳/۷/۲۲).

از طرف سفیر فلسطین در تهران نیز در تلگرافی از طرح تأسیس دانشگاه قدس استقبال و گفته شد که فرزندان فلسطین «با سپاس و ستایش دعوت شما را به گشایش دانشگاه‌ها و دانشکده‌های نظامی برای فلسطینیان دریافت نمودند» (روزنامه‌اطلاعات ۱۳۶۳/۷/۲۴).

به این ترتیب، ایده‌ای مبهم از تشکیل دانشکده‌ای در دانشگاه امام صادق تا احداث دانشگاه در یکی از کشورهای عربی و گشایش دانشگاه نظامی برای فلسطینیان با نام دانشگاه قدس دیده می‌شود که بررسی سرانجام آن و ریشه‌های آن در دانشگاه‌های کنونی کشور نیازمند مطالعه‌ای جداگانه است.

در ذیل، جمع‌بندی مباحث در قالب یک جدول آمده است.

۱۰۲ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

نام مرکز آموزش عالی	تاریخ انتشار اولین خبر	هدف و انگیزه تأسیس	نحوه پذیرش دانشجو	منابع مالی	نخستین مدیر	تاریخ اولین پذیرش	مکان	شیوه مدیریت	توضیحات
مدرسه عالی علوم قضایی و تربیتی قم	دی ۱۳۵۸	تربیت قاضی مورد تأیید نظام جدید	آزمون اختصاصی	غیرانتفاعی	مهدی قاضی	۱۳۶۱	قم	شورای سرپرستی وزارت دادگستری و جامعه مدرسین حوزه علمیه قم	تبدیل به دانشگاه قم در ۳۱ خرداد ۱۳۷۶
دانشگاه اهل سنت	اردیبهشت ۱۳۵۹	پاسداری از جمهوری اسلامی				-	کردستان/ بلوچستان/ ترکمن صحرا	حوزه علمیه قم، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، و روحانیون اهل تسنن	تبدیل ایده به دانشگاه مذاهب اسلامی در سال ۱۳۷۱
دانشگاه امام صادق (ع)	تیر ۱۳۵۹	ترویج اسلام در جهان و تربیت نیروهای مسئول	آزمون اختصاصی	غیرانتفاعی	آیت الله مهدوی کنی	۱۳۶۱	تهران	هیئت امنا به ریاست آیت الله منتظری	تلاش برای ترکیب حوزه و دانشگاه
دانشگاه علوم اسلامی رضوی	شهریور ۱۳۵۹	نشر معارف اسلامی و احیای حوزه	آزمون اختصاصی	غیرانتفاعی (آستان قدس رضوی)	آیت الله واعظ طبسی	۱۳۶۳	مشهد	هیئت امنا به ریاست آیت الله واعظ طبسی	تلاش برای ترکیب حوزه و دانشگاه
دانشگاه تربیت مدرس	اسفند ۱۳۶۰	تربیت مدرس برای دانشگاه ها	آزمون اختصاصی	دولتی	سنائی	۱۳۶۱	تهران	هیئت امنا زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی	تبدیل مدرسه به دانشگاه در سال ۱۳۶۵
دانشگاه آزاد اسلامی	خرداد ۱۳۶۱	تعمیم تخصص به توده ها و جلوگیری از خروج جوانان از کشور	آزمون اختصاصی	غیرانتفاعی	عبدالله جاسبی	۱۳۶۲	تهران و هفت شهر	هیئت امنا به ریاست آیت الله هاشمی رفسنجانی	برداشتن ممنوعیت سن و شرایط دیگر دانشگاه ها
دانشگاه صنعتی امام محمد باقر	مرداد ۱۳۶۳				بطحائی				تمرکز بر رشته های فنی و مهندسی
دانشگاه بین المللی اسلامی	اردیبهشت ۱۳۶۲	رفع تقاضای دانشجویان خارجی	آزمون سراسری	دولتی	محمد معروف مشاط	۱۳۶۲	قزوین	هیئت امنا زیر نظر وزارت فرهنگ و آموزش عالی	تبدیل به دانشگاه بین المللی امام خمینی در سال ۱۳۷۰

۵. نتیجه‌گیری

این مطالعه یکی از پاسخ‌هایی است که می‌توان به پرسش کلی «پی‌آمدهای آگاهانه انقلاب فرهنگی چه بود؟» ارائه کرد و تلاش کرده است روایت روزنامه/اطلاعات را (در بازه زمانی ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۱۲ بهمن ۱۳۶۳) درباره دانشگاه‌هایی که بعد از انقلاب اسلامی تأسیس شده‌اند بیان کند.

این مطالعه از ره‌گذر بازخوانی روزنامه یادشده نشان می‌دهد که دوره انقلاب فرهنگی صرفاً دوران انحلال/ ادغام دانشگاه‌ها نبوده، بلکه دوره تأسیس دانشگاه‌های جدیدی براساس ایدئولوژی نظام انقلابی و هم‌چنین خواسته‌ها و نیازهای روز جامعه بوده است. به عبارت دیگر، دانشگاه‌های تازه تأسیس پاسخی به یکی از نیازهای جامعه انقلابی بوده‌اند: تحصیل علم، خودسازی، بی‌کاری، فرار از سربازی، نیاز اقلیت‌ها (تحصیل علوم اهل سنت و تدریس به زبان مادری)، تربیت قاضی باصلاحیت، پرورش مدرس برای دانشگاه‌ها و تأمین کادر آموزش عالی، تبلیغ انقلاب و جمهوری اسلامی، تربیت مدیران نظام جدید در داخل و خارج، پرورش حوزویان به شکل دانشگاهی، پذیرش متقاضی به تعداد زیاد، تربیت مهندسان متعهد، آرزوی داشتن یک دانشگاه بین‌المللی اسلامی و تأسیس دانشگاه در کشورهای اسلامی، و ... بنابراین، راه‌اندازی این نهادهای جدید آموزش عالی هم خواست حاکمیت برای تثبیت قدرت سیاسی و هم به واسطه نیاز جامعه به تحصیل و پیشرفت بوده است. لذا، می‌توان تأسیس این واحدهای جدید آموزش عالی را «عامدانه» و «آگاهانه» دانست.

جالب این‌جاست که اغلب دانشگاه‌های تازه تأسیس اولویت را به رشته‌های علوم انسانی و حوزه نظری می‌دهند و نیاز جامعه به متخصصان فنی و پزشکی در چهارچوب توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی موجود دنبال شده است. در این میان، نباید تجربه دانشگاه آزاد اسلامی را دست‌کم گرفت. درواقع، هرچند نگاه ستاد انقلاب فرهنگی به نهاد دانشگاه «اسلامی‌سازی» آن است، در برابر مطالبه عمومی جامعه، دانشگاهی مجزا از سیستم آموزش عالی دولتی برای پاسخ‌گویی به نیاز داوطلبان ورود به دانشگاه و زیرنظر مسئولان نظام تأسیس می‌شود که به سرعت هم گسترش می‌یابد. براساس مطالعات پیشین، دانشگاه‌های ایدئال ستاد انقلاب فرهنگی ترکیبی از سبک تحصیل حوزوی و تدریس دانشگاهی است و با همین دید، تاریخ دانشگاه‌های امام صادق و تربیت مدرس برجسته می‌شود. با این حال، رشد و گسترش سریع دانشگاه آزاد اسلامی، که نوعی پاسخ‌گویی عملی به نیازهای جامعه در دوره انقلاب فرهنگی محسوب می‌شود، نکته مهمی است که نباید از آن غافل ماند.

از سوی دیگر، باتوجه به کمبود بودجه، چالش‌های اداری نظام پساانقلابی، ایده‌های ستاد انقلاب فرهنگی، و نگاه نخبگان سیاسی به دانشگاه‌های موجود تعدادی از دانشگاه‌های تازه تأسیس از نظر مالی از سیستم دولتی جدا می‌شوند: دانشگاه امام صادق و مدرسه عالی علوم قضایی و تربیتی قم به شکل غیرانتفاعی، دانشگاه علوم رضوی وابسته به آستان قدس رضوی، و دانشگاه آزاد اسلامی از منابع مردمی تأمین می‌شوند.

نهایت آن‌که، فقر علمی در ایران پس از انقلاب خود را در فرازونشیب‌های تأسیس دانشگاه تربیت مدرس به روشنی نشان می‌دهد؛ مهاجرت، تبعید، پاک‌سازی، و تصفیه استادان یکی از پی‌آمدهای آشکار انقلاب فرهنگی بود که نتیجه چنین امری تاحدودی در شکست آزمون‌های ورودی دوره اول و دوم مدرسه تربیت مدرس به چشم می‌خورد. شاید بتوان این‌گونه گفت که ایدئال‌گرایی‌ها و تصفیه گسترده استادان و دانشجویان جامعه را با کمبود استاد و خلأ علمی مواجه کرد و واقعیت‌های جامعه نظیر تبعات انقلاب و شرایط جنگی آرمان‌های نخستین ستاد انقلاب فرهنگی را به حداقل‌های ممکن تقلیل داد. وقفه در شروع به کار دانشگاه تربیت مدرس، موج گسترده اقبال به دانشگاه آزاد اسلامی، سخت‌گیری در پذیرش دانشجو و انعطاف در جذب استادان دانشگاه امام صادق، ابهام در ایده تأسیس دانشگاه اسلامی، و گم‌شدن آرزوی تأسیس دانشگاهی در کشورهای اسلامی دیگر نمونه‌هایی از غلبه واقعیت بر رؤیاهای انقلابیون است که پایه‌گذار تحولات بعدی آموزش عالی ایران در سال‌های بعد می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله دانشگاه‌های نیروهای نظامی اعم از زمینی، دریایی، و هوایی، مدارس عالی پرستاری و حفاظت و بهداشت کار، و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، مدرسه عالی شهید هاشمی‌نژاد، و هم‌چنین مراکز آموزش وزارت امور خارجه و آموزش هنر وزارت ارشاد که اغلب ادامه ایده‌های پیش از انقلاب بوده‌اند.

۲. اختلاف نظر درباره علم دینی، اسلامی‌سازی / بومی‌سازی علوم، و ... از همان ابتدا وجود داشت و هم‌چنان هم ادامه دارد. اهمیت این موضوع اقتضا می‌کند که در مجالی دیگر و به تفصیل بررسی و تحلیل شود، هرچند کافی است اشاره شود تاکنون صدها کتاب، مقاله، و پایان‌نامه در این زمینه تدوین شده است که از آن جمله می‌توان به آثار عطا حشمتی، علیرضا شجاعی‌زند، حسین سوزنچی، و علی پایا اشاره کرد.

۳. اعتصابات سراسری از ۱۴ آبان ۱۳۵۷ آغاز شد و به‌طور مثال در میان مطبوعات تا ۱۵ دی ادامه یافت.

پی‌آمدهای آگاهانه یک حرکت انقلابی ... (مریم پیمان و دیگران) ۱۰۵

۴. برای رفع ابهام به تاریخچه دانشگاه‌ها در سایت‌های رسمی آن‌ها نیز رجوع شده است.

کتاب‌نامه

- آمار آموزش عالی ایران سال تحصیلی ۱۳۵۶-۱۳۵۷ (۱۳۵۸)، تهران: مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزش عالی، نشریه ۶۴.
- انتظاری، یعقوب (۱۳۸۸)، شصت سال آموزش عالی تحقیقات و فناوری در ایران، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- بذرافشان، مجتبی (مصاحبه)، خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۱/۱۲/۱۰.
- خواججه‌سروی، غلامرضا (۱۳۸۵)، خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رضایی، محمد، عباس کاظمی، و حامد طاهری کیا (۱۳۹۶)، «چهار روز از حیات دانشگاه پس از انقلاب: ۳۰ فروردین تا ۲ اردیبهشت ۱۳۵۹»، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران، دوره ۱۰، ش ۱.
- روزنامه اطلاعات، شماره‌های مختلف، ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۳.
- روند شکل‌گیری دانشگاه آزاد اسلامی (۱۳۷۰)، تهران: علمی و دانشگاه آزاد اسلامی.
- شرفزاده بردر، محمد (۱۳۸۳)، انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌های ایران، تهران: پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.
- صفارزاده، جلال (۱۳۹۷)، تاریخچه دانشگاه‌ها در ایران، تهران: پارس کتاب.
- طاهری کیا، حامد (۱۳۹۶)، چگونگی شکل‌گیری سوره‌های سیاسی در دانشگاه (بررسی موردی دانشگاه امیرکبیر، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، و دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران)، پایان‌نامه دکتري، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- فهرست مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی (بی‌تا)، تهران: کتاب‌خانه و مرکز اسناد شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۸۸)، سرگذشت و سوانح دانشگاه در ایران، تهران: رسا.
- گلکار، سعید (۱۳۸۷)، بررسی رابطه دولت و دانشگاه در ایران پس از انقلاب، ۱۳۵۷-۱۳۸۴، پایان‌نامه دکتري، گروه علوم سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
- هوشمند، احسان (۱۴۰۰)، «انقلاب فرهنگی در ایران بررسی چگونگی و فرایند وقوع پدیده انقلاب فرهنگی»، فصل‌نامه چشم‌انداز ایران؛ ویژه‌نامه دانشگاه در تعلیق.
- وب‌سایت دانشگاه آزاد اسلامی، بخش تاریخچه: <<https://b2n.ir/y08561>>.
- وب‌سایت دانشگاه ادیان و مذاهب، بخش تاریخچه: <<https://b2n.ir/e96238>>.
- وب‌سایت دانشگاه امام صادق، بخش دانشگاه در یک نگاه: <<https://b2n.ir/q78642>>.

وبسایت دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، بخش معرفی: <<http://www.ikiu.ac.ir/fa/page-view.php?pid=416>>

وب سایت دانشگاه تربیت مدرس، بخش تاریخچه: <<https://b2n.ir/u57378>>

وبسایت دانشگاه علوم اسلامی رضوی، بخش مقدمه: <<https://b2n.ir/y14826>>

وبسایت دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری: <<https://b2n.ir/t24661>>

وبسایت دانشگاه قم، بخش تأسیس: <<https://b2n.ir/a53047>>

وبسایت شورای عالی انقلاب فرهنگی: <<https://sccr.ir>>

وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس: <<https://rc.majlis.ir/fa/law/>>

Mojab, S. (1991), *The State and University: The "Islamic Cultural Revolution" in the Institutions of Higher Education of Iran, 1980-87*, Phd diss, University of Illinois.

Tarbiat Modarres University (2002), Tehran: TMU Press.